



روندها و تحولات شرق آسیا

دکتر طیبه واعظی*

اشاره:

شرق آسیا به مثابه منطقه‌ای که کانون تحولات قرن بیست و یکم را رقم خواهد زد، همواره با تحولات گوناگونی مواجه است که تحت تأثیر نقش آفرینی بازیگران داخلی آن و آمریکا ایجاد می‌شود. این تحولات در چارچوب روندهای کلان مربوط به رقابت و همکاری چین و آمریکا در منطقه قابل بررسی هستند. در ماه جاری همگام با رویدادهای جهان، این منطقه شامل تحولات متعددی بود. تحولاتی چون حضور ناو آمریکایی در اطراف جزایر مصنوعی چین، سفرهای متعدد وزیر دفاع آمریکا به منطقه، نشست سه‌جانبه ژاپن و کره جنوبی و چین و آزمایش مشترک ژاپن و هند و آمریکا که به بررسی آن می‌پردازیم.

مقدمه

منطقه آسیای شرقی و جنوب شرقی به عنوان یکی از کانون‌های مهم رقابت قدرت‌ها از جنگ جهانی دوم تا کنون مورد توجه بوده است. در دوره جدید نیز این منطقه با برخورداری از پویاترین اقتصادهای دنیا، به عنوان کانون سرمایه و فناوری در عرصه بین‌المللی و زادگاه دومین قدرت بزرگ جهانی - چین - از اهمیت بیشتری برخوردار شده تا جایی که به نظر می‌رسد ویژگی‌های ژئواستراتژیک و اقتصادی این منطقه در کنار تلاقی سیاست‌های سه قدرت بزرگ آمریکا، چین و ژاپن، این منطقه را به مرکز ثقل سیاست بین‌الملل در دهه‌های پیش رو تبدیل کند. به ویژه، با روند رو به رشد هم‌گرایی اقتصادی در منطقه که «آ.سه.آن» نمود بارز آن است، پیش‌بینی می‌شود که رقابت‌های جهانی در این منطقه تا حد زیادی آینده اقتصاد سیاسی بین‌المللی را رقم خواهد زد، همان‌گونه که در حال حاضر عرصه رقابت و همکاری بین بازیگران اصلی یعنی چین، ژاپن، آمریکا و آسه آن است و انتظار می‌رود شکل‌بندی‌های این منطقه در آینده بر مبنای نقش آفرینی‌های همین بازیگران و تحولات کنونی منطقه صورت گیرد. در واقع، مجموعه این تحولات است که روندهایی را برای شکل دادن به آینده این منطقه تشکیل می‌دهد. بر

این مبنای یکی از مهم‌ترین روندهای شکل گرفته در منطقه، افزایش حضور نظامی آمریکا است که به ویژه از سال ۲۰۱۱ به بعد در قالب استراتژی تمرکز بر آسیای شرقی باراک اوباما جلوه نموده است. دولت آمریکا برای پیاده کردن این استراتژی از هر فرصتی برای گسترش حضور خود در منطقه و مهار چین که هدف نهایی این حضور است، بهره می‌گیرد. تحولات ماه جاری و حتی ماه‌های قبل تر به خوبی تکوین این روند را بازنمایی می‌کنند. برخی از مهم‌ترین این تحولات عبارتند از:

سفرهای متعدد اشتون کارتر به کشورهای منطقه

طی ماه‌های گذشته، اشتون کارتر برای چندمین بار از زمان انتخابش به عنوان وزیر دفاع آمریکا به منطقه سفر کرد. وی در سفر ده‌روزه خود ضمن دیدار با مقامات ده کشور منطقه در نشست‌های مختلف دو و چندجانبه نیز شرکت نمود. از جمله این نشست‌ها می‌توان به چهل و هفتمین نشست سالانه امنیتی آمریکا و جمهوری کره در سئول و انجمن ملل جنوب شرق آسیا اشاره کرد. وی در نشست امنیتی با وزیر دفاع کره جنوبی طی بیانیه‌ای مشترک بر تهدید جدی کره شمالی و لزوم افزایش تلاش‌های مشترک نظامی برای مقابله با این دولت تأکید و دو کشور موافقت خود را برای ردیابی و نابودی موشک‌های کره شمالی، اعلام کردند. کارتر همچنین ضمن شرکت در نشست وزرای دفاع کشورهای عضو آسه. آن در کوالالامپور بر نیاز به ایجاد سازمان دفاعی جامع در منطقه تأکید کرد. در واقع، همان‌طور که وزیر دفاع آمریکا از پیش اعلام کرده بود، این سفر با هدف رایزنی با رؤسای کشورهای منطقه برای یافتن هم‌پیمانان جدید و نوسازی اتحادهای قدیمی صورت گرفت، چرا که این کشور

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی



به دنبال تغییر توازن جهانی به سمت اقیانوس آرام و آسیاست و این امر مستلزم نزدیکی هر چه بیشتر نظامی به کشورهای منطقه است.

ناو جنگی یواس اس لاسن آمریکا به حوزه جزایر مصنوعی چین

یکی از مهم ترین تحولات ماه گذشته در آسیای شرقی، تعمیق حضور نظامی آمریکا در منطقه با استقرار ناوشکن آمریکایی در نزدیکی جزایر مصنوعی چین موسوم به اسپراتلی است. این ناوشکن که مجهز به موشک های هدایت شونده است، به بهانه گشت زنی معمولی وارد حریم ۱۲ مایلی جزایر مصنوعی چین شده و اعتراض چین را برانگیخت، به نحوی که چین این اقدام را نقض آشکار حق حاکمیت خود نامیده است. اختلاف سرزمینی چین و همسایگانش بر سر حاکمیت و تملک دریایی چین، اختلافی دیرپاست که طی سال های اخیر به دستاویز خوبی برای مداخله نظامی آمریکا به بهانه حمایت از همسایگان تبدیل شده است. ضمن آنکه آمریکا از استقرار تسلیحات و حفاری نفت توسط چین در این جزایر ابراز نگرانی کرده است. در مقابل این اقدامات، چین به رغم تنش کلامی با این کشور به شدت از درگیری نظامی در منطقه با همسایگان یا حتی با آمریکا پرهیز و ضمن تذکر شدید، اعلام کرده که در این خصوص هرگز به زور متوسل نمی شود که این مسئله به خوبی بر اساس استراتژی کلان چین برای تبدیل شدن به قدرت برتر جهانی قابل توجیه است.

در هر حال، این مسئله امری بدیهی است که آمریکا تلاش می کند با بزرگنمایی خطر چین برای همسایگانش از یک سو زمینه را برای قراردادهای سنگین تسلیحاتی فراهم کند و از سوی دیگر مانع پیشرفت های اقتصادی و نظامی و به ویژه دریایی چین در منطقه باشد و بدین وسیله با درگیر کردن چین در محیط امنیتی پیرامونی خود، این کشور را از تحرکات جهانی حفظ نماید.

علاوه بر این، با توجه به حجم گسترده مبادلات تجاری دریایی (۵ هزار میلیارد دلار در سال) در پهنه آبی آسیای شرقی و جنوب شرقی، آمریکا نگران است که با افزایش انحصارطلبی حاکمیت چین بر دریاها، آزادی آبراه های منطقه به خطر افتد. بنابراین در کنار تقویت حضور نظامی خود در منطقه همکاری های نظامی جدیدی را در منطقه پی ریزی کرده است. برای مثال، با آغاز همکاری های دفاعی جدید با ژاپن رسماً این کشور را به عرصه نظامی گری و خرید تسلیحات نظامی تشویق کرده و بدین وسیله حق دفاع جمعی را برای ژاپن به رسمیت شناخته است. بر اساس این نقش، ژاپن نقش مؤثرتری در صحنه بین الملل و همراهی با اهداف آمریکا در منطقه ایفا خواهد کرد.

علاوه بر این، آمریکا قراردادهای مهم نظامی و خرید تسلیحات

بزرگ را با کشورهای چون ویتنام - که بیست سال با هم درگیر جنگ بودند - و فیلیپین امضا کرده و با تلاش برای نزدیکی بیشتر به کشورهای چین کامبوج، لائوس و اندونزی تلاش می کند از این کشورها به عنوان اهرم بازی خود در منطقه بهره جوید. حلقه نهایی این استراتژی را نیز احداث پایگاه های نظامی این کشور در اقیانوس آرام و استرالیا شکل می دهد. در نهایت، آمریکا تلاش می کند در راستای راهبرد ۲۰۲۵ خود برای منطقه از ظرفیت متحدانی باثبات برای رسیدن به اهداف خود سود جوید.

نشست سه جانبه چین - کره جنوبی - ژاپن

هم زمان با سفر کارتر به منطقه آسیای شرقی در ماه جاری، نشست سه جانبه رؤسای کشورهای چین، کره جنوبی و ژاپن پس از سه سال وقفه در شهر «سئول» برگزار شد. در این نشست، سه رهبر آسیایی درباره موضوعات مختلفی از جمله راه اندازی تجارت آزاد میان سه کشور و تهدیدات برنامه تسلیحات هسته ای کره شمالی بحث و گفت و گو کردند که بر اساس آن توافق شد با چشم پوشی از اختلافات و دشمنی های تاریخی فی مابین، روابط دیپلماتیک و تجاری خود را گسترش دهند. در بیانیه پایانی این نشست، همچنین تلاش ژاپن برای استفاده از نفوذ خود برای عضویت چین و کره جنوبی در پیمان ترانس - پاسیفیک نیز مورد تأکید واقع شد. همچنین، چین اعلام کرد از نفوذ خود بر کره شمالی برای تشویق و ترغیب آن کشور برای تن دادن به قطعنامه های سازمان ملل در خصوص برنامه هسته ای استفاده خواهد کرد.

نکته قابل توجه و بسیار مهم برگزاری این نشست، تلاش سه کشور برای رفع اختلاف های دیپلماتیک و تاریخی به منظور تحقق همکاری های اقتصادی و تجاری



این دوازده کشور و افزایش سطح مبادلات اقتصادی است و به موجب آن قرار است تعرفه مالیاتی بیش از ۱۸ هزار کالای تجاری ظرف مدت ۵ سال حذف شود. همچنین این موافقت‌نامه، مقرراتی در خصوص سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت فکری را نیز در بر می‌گیرد. پیش‌بینی می‌شود به موجب این توافق همان‌گونه که باراک اوباما اعلام کرد، آمریکا بتواند در تقابلی استراتژیک با چین قوانین تجارت جهانی را بازنویسی کرده و قدرت‌های بزرگ اقتصادی را به تبعیت از آن وادار کند. در واقع، به نظر می‌رسد این پیمان قبل از آنکه یک پیمان تجارتي باشد، موافقت‌نامه‌ای راهبردی برای مقابله با چین و نفوذ روزافزون آن در اقتصاد جهانی است.

ضمن اینکه این پیمان با توجه به افزایش سطح مبادلات بین اعضا، حساسیت کشورهای عضو را نسبت به آزادی آبراه‌های بین‌المللی شرق آسیا و به ویژه دریای چین به عنوان منطقه مورد مناقشه نیز افزایش خواهد داد. همچنین، پیش‌بینی می‌شود با توجه به جذابیت این پیمان به لحاظ تأمین بازارهای گسترده مصرف، زمینه حضور چین نیز فراهم شود. با این حال، نباید این مسئله را از نظر دور داشت که حضور چین در این پیمان، به معنای بازی با قواعد تعیین‌شده توسط آمریکا است که چین را نیازمند اصلاحات جدی سیاسی و اقتصادی در داخل می‌کند؛ زیرا این پیمان در زمره رژیم‌های بین‌المللی است که آمریکا به منظور تأکید بر نقش هژمونی خود در نظام بین‌الملل ایجاد کرده و در صدد بهره‌مندی از منافع آن در جایگاه ابرقدرت است و از همین روست که در ازای ایفای نقش رهبری، حذف کلیه عوارض و موانع قانونی و دولتی دسترسی به بازارهای داخلی برای سرمایه‌ها و کالاها، از اعضای پیمان خواسته شده است که طبیعتاً هیچ کشور به اندازه آمریکا توان بهره‌برداری از این منافع را ندارد.

رزمایش مشترک آمریکا-هند-ژاپن

آخرین حلقه از تحولات صورت گرفته در شرق آسیا در ماه جاری، برگزاری رزمایش مشترک نظامی بین آمریکا، هند و ژاپن است. هدف از برگزاری این رزمایش تقویت امنیت اقیانوس هند، امدادسانی و مقابله با دزدان دریایی عنوان شده، ولی مهم‌ترین هدف اعلام‌نشده این کشورها، مقابله با نفوذ روزافزون چین است. اگرچه این قبیل رزمایش‌ها در سال‌های گذشته به دفعات بین هند و آمریکا و حتی سایر کشورهای منطقه با همراهی آمریکا برگزار شده‌اند، اما نکته مهم و ویژه این رزمایش، حضور دائمی ژاپن در آن است. ژاپن آخرین بار در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در این رزمایش حضور یافت، اما اکنون برای اولین بار، پس از آنکه موافقت پارلمان خود را کسب کند، در رزمایش مشترک آمریکا و هند، به همراه ناو فویوزوکی و به صورت دائمی در اقیانوس هند شرکت خواهد کرد.

است. طی چند دهه گذشته، سه کشور به شدت درگیر اختلاف‌های حل‌نشده‌ای چون اختلافات ارضی مربوط به جزیره سنکاکو در میان چین و ژاپن، مسائل مربوط به حمایت چین از برنامه هسته‌ای و موشکی کره شمالی در میان سه کشور و یا موضوع محتوای کتاب درسی تاریخ مدارس ژاپنی در میان کره جنوبی و ژاپن و... بوده‌اند و این اختلاف‌ها چنان در روابط سه کشور تأثیر داشته که آخرین نشست سه‌جانبه آنها در دسامبر ۲۰۱۱ به علت طرح این اختلافات تاریخی بدون نتیجه پایان یافت و بعد از آن حتی رئیس‌جمهور کره، حاضر به دیدار با هم‌تایان خود و برگزاری جلسات بعدی نشد. در عین حال، این بار به نظر می‌رسد استلزامات مربوط به رفع نیازها و تحقق اهداف اقتصادی سه‌جانبه در روابط آنها موجب شده این سه کشور که روی هم رفته ۲۰ درصد تولید ناخالص کل جهان را دارند، به علت بروز مشکلات اقتصادی و ناتوانی در حل جداگانه آنها خود را نیازمند همکاری بدانند. ضمن اینکه رهبران این کشورها در عمل نیز به این نتیجه ایمان آورده‌اند که نیاز متقابل اقتصادی و همکاری در حوزه‌های اقتصادی می‌تواند به آنها برای حل و فصل سایر مشکلات نیز کمک کند.

امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد ترانس-پاسیفیک

در ماه جاری، سرانجام با گذشت هشت سال مذاکره فشرده پیمان تجاری ترانس-پاسیفیک به عنوان بزرگترین پیمان تجارت منطقه‌ای جهانی بین دوازده کشوری که ۴۰ درصد اقتصاد کل جهان و ۸۰۰ میلیون نفر از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند (آمریکا، استرالیا، برونئی، کانادا، شیلی، ژاپن، مالزی، مکزیک، نیوزیلند، پرو، سنگاپور و ویتنام) به امضا رسید. هدف از این توافق، یکسان‌سازی استانداردهای تجاری بین

با توجه به آنچه در خصوص پیشینه روابط ژاپن، آمریکا و تقابل با چین گفته شد، شرکت ژاپن در این رزمایش را می‌توان ادامه روند نظامی‌گری این کشور و همراهی به عنوان متحد آمریکا تفسیر کرد، اما در مقابل، با توجه به روابط هند و چین که طی سال‌های اخیر تلاش شده در مسیر تنش‌زدایی قرار گیرد، این رزمایش می‌تواند تنش‌هایی را در روابط دوجانبه ایجاد کند و از همین روست که چین نسبت به اهداف خصومت‌آمیز احتمالی این رزمایش به هند هشدار داده است.

با این حال، به نظر می‌رسد نخست‌وزیر هند نارندا مودی قصد ندارد روابط خود با چین را قربانی رابطه با آمریکا کند و از همین رو، به موازات تقویت روابط راهبردی خود با آمریکا برای تنش‌زدایی با چین نیز تلاش می‌کند. برگزاری هم‌زمان رزمایش ضد تروریسم در جنوب غربی چین - هرچند در ابعاد بسیار محدودتر از رزمایش مالابار با آمریکا و ژاپن - را می‌توان در این راستا تفسیر کرد.

نتیجه‌گیری

ایالات متحده آمریکا که تا چندی قبل با تمرکز بر مسائل خاورمیانه و افغانستان، مسائل آسیای شرقی را در حاشیه استراتژی امنیتی خود قرار داده بود، با روی کار آمدن باراک اوباما و چرخش به سمت استراتژی تمرکز بر آسیا تلاش کرد در جهت حفظ جایگاه خود به عنوان تنها ابرقدرت در نظام بین‌الملل به آسیای شرقی به عنوان پویاترین کانون اقتصادی جهان بیش از پیش توجه نماید، چرا که مطابق ارزیابی‌ها پیش‌بینی می‌شود، تحولات مهم نظام در این عرصه رقم خواهد خورد. بدین منظور، با توسعه تعاملات خود با کشورهای منطقه، مشارکت در ساختارهای چندجانبه منطقه‌ای و تقویت روابط تجاری و نظامی خود تلاش می‌کند هرچه بیشتر جایگاه خود را در این منطقه تقویت کند. در این راستا، تلاش‌های آمریکا حتی در مواردی روابط این کشور با چین را به تنش و رقابت سوق داده است. به علاوه اینکه، پیشرفت‌های اقتصادی و به ویژه نظامی چین طی دهه‌های اخیر به حساسیت آمریکا نسبت به این کشور دامن زده و این کشور را به سمت رویکرد مهار چین سوق داده است. سیاست آسیایی ایالات متحده نسبت به همسایگان چین مثل هند و ژاپن و کره جنوبی و برگزاری رزمایش‌های مشترک با این کشورها نشانه‌های همین سیاست هستند.

در مقابل، چین نیز که هویت قدرت خود را در رقابت با آمریکا تعریف کرده تلاش دارد با اتخاذ رویکرد موازنه نرم در قبال آمریکا، جایگاه واقعی خود را در نظام بین‌الملل بیابد. در همین راستا، ضمن تقویت توان اقتصادی و نظامی خود، از رویارویی مستقیم با آمریکا

پرهیز می‌کند و از همین روست که به رغم تحولات نظامی گسترده آمریکا، تمایلی به آغاز تنش و درگیری با این کشور ندارد. با این حال تلاش دارد از طریق رفع اختلافات سنتی با همسایگان - که نمود آن را می‌توان در نشست سه‌جانبه با ژاپن و کره مشاهده کرد - چهره جدیدی از خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی به نمایش بگذارد. بدین وسیله، اگرچه چین با این روش قادر نخواهد بود که مانع از تحقق اهداف کوتاه‌مدت آمریکا در منطقه شود، اما می‌تواند هزینه‌های اقدامات آمریکا را افزایش دهد و از همراهی بیشتر کشورها با آن کشور بکاهد یا اینکه در بلندمدت متحدان بیشتری را در منطقه برای خود پیدا کند. بدین ترتیب، می‌توان گفت عمده رقابت در آینده متعلق به چین و آمریکا در حوزه‌های اقتصادی و نظامی خواهد بود. بر این اساس، چین با تمرکز بر اول؛ تغییر سطح اختلافات امنیتی به سطح اختلافات سیاسی با همسایگان. دوم؛ بهره‌برداری از امکانات اقتصادی، تلاش می‌کند تهدیدهای نظام بین‌الملل را به فرصت تبدیل کند. از این رو، هرچند در بعد اقتصادی بعد از برقراری روابط چین و آمریکا در دهه ۱۹۷۰ (دهه ۱۳۵۰) همکاری اقتصادی بین دو کشور ادامه یافته و روز به روز وابستگی متقابل آنها افزایش پیدا می‌کند اما در بعد نظامی، روابط دو کشور گاهی آمیزه‌ای از همکاری و رقابت است که بر کشورهای همسایه نیز اثر می‌گذارد. با این حال، به نظر می‌رسد هر دو قدرت بزرگ به دلیل وابستگی متقابل اقتصادی تمایلی به امنیتی‌کردن مسائل مابین و رقابت دوجانبه و خصومت‌آمیز ندارند. بر همین اساس، به نظر نمی‌رسد به رغم رقابت سرسختانه دو کشور در کوتاه‌مدت تغییری در ماهیت اتحادها و ائتلاف‌ها در سطح منطقه اتفاق افتد.

